



وزارت علوم تحقیقات و  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته  
زبان‌شناسی همگانی

عنوان پژوهش :  
شیوه فرهنگ ن  
" کتاب الزینه "

استاد راهنما :  
دکتر سید مصطفی عاصی

:  
بدالحسین

:

1386

تقدیم به :

وان پاك پدر بزرگ عزیزم

## حیدر علی

ه در بیان توحید و حقیقت

...

در مدت انجام این پژوهش، از راهنمایی و کمکهای دریغ اساتید و دوستان عزیزم برخوردار بودم که وظیفه خود می‌دانم در اینجا مراتب قدردانی و سپاس خود را از ابراز نمایم:

جناب آقای دکتر سید مصطفی عــــــــــــــــاصی، مدیر محترم گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به عنوان استاد راهنما، هم بودند و با گشاده رویی و حسن نیت تمام، نگرانیهایی را که به واسطه طولانی شدن زمان انجام این پژوهش در دل داشتم، رفع نمودند و هیچ پرسشی را بی پاسخ نگذاشتند. اگر کرامت انسانی و دانش تخصصی ایشان مشمول حالم نمی شد، انجام این کار، بسی دشوار بود.

عبدالحسین

از گروه ادبیات فارسی پژوهشگاه، به عنوان مشاور پژوهش، یاریم نمودند که از این بابت، وامدار محبتهایشان هستم و به صد بار و بیش سپاسگزار.

از استاد عزیزم دکتر ایران کلبــــــــــــــــاسی ممنونم که داوری این تحقیق را پذیرا شدند. بدون شك، در این مورد نیز همچون دوران تحصیل، از لطف طبع و حسن نظر این بزرگوار برخوردار بوده ام.

ایه بسی افتخار و مباحات است که استاد ارجمند و گرانمایه جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی نیز داوری این پژوهش را پذیرا شدند و بر من منت گذاشتند تا در کنا تمام مشغله های تحقیقی و فرهنگی خود، ارزشگذار شایسته این اثر باشند.

در لحظه به لحظه انجام این پژوهش، از پشتیبانیهـا، همدلیها و حمایتهای فکری و علمی پدر بزرگوارم -  
- بهره مند بوده ام که وجود نازنینش همواره جانم را آرامش است. مهرش بوسه می

که پدری چون او دارم.

تبحر دوست عزیز و نکته سنجم، سید محسن موسوی، کتابشناسی، در انجام این کار، مشکل گشای من بود. وظیفه خود می‌دانم تا مراتب تشکر را از او بیان کنم.

در تمام مدت تحصیل و انجام این پژوهش، دلسوزیها فداکاریها و محبتهاي همسر عزیزم توشه راهم بود من است تا مهرش را قدر نهم. از مدیر و مسئولان مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب نیز سپاسگزارم که امکان دسترسی به تمام بخشهاي کتابخانه این مرکز را برایم فراهم کردند.

## چکیده

رازی (د. / م) یکی از نخستین داعیان اسماعیلیه در ایران بود. وی کتابی دارد با " کتاب الزیند فی کلمات الاسلامیة العربیة ". این اثر، فرهنگنامه ای است که معنا و ریشه برخی کلماتی را که در قرآن، حدیث و مناسک اسلامی آمده ، بیان می کند. کتاب الزینة بر اساس سنتهای رایج فرهنگ نگاری قرن چهارم، تألیف شده . روشهای شخصی و منحصر به فرد ابوحاتم نیز در آن به چشم می خورد از جمله بررسی سیر تحول تاریخی معنای واژه ها و یا ترکیب نظریه های مختلفی دستوری معنایی برای رسیدن به

در این پژوهش ه است تا ویژگی های کتاب الزینة سبک ارائه مطالبی بیان شود و تأثیراتی که ابوحاتم از صاحب نظران پیش از خود پذیرفته است بررسی گردد. مقدمه و فصل یک تا سه این پژوهش، به معرفی ابوحاتم و ارائه اطلاعاتی درباره پیشینه فکری و

علمی او اختصاص دارد. در فصل چهارم، شیوه کاری و تحلیلی وی در شرح معنای کلمات بررسی شده و به عنوان نمونه، مدخل " کلمه "به طور کامل مورد بحث قرار گرفته است. فصل پنجم، نگاهی است به شیوه ریشه شناسی حاتم و اصول علم اشتقاق و کاربرد های آن از دیدگاه وی. فصل ششم به رویکرد های دستوری ابوحاتم تأثیر آن در شرح مدخلهای کتابش اختصاص یافته است. در این فصل جایگاه او در تاریخ مطالعات دستوری زبان عربی تبیین شده و آرای دستوری وی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته اند.

فهرست مطالب

چکیده

پیش

### کلیات پژوهش

	زندگینامه ابو	-
	ه	-
الزینه	کتاب	-
	ه کتاب الزینه	-
فصل دوم	رویکرد فرهنگ نگاری در کتاب	الزینه
	نخستین سنتهای فرهنگ نگاری	-

-	فرهنگ نگاران پیش از ابوحاتم
- -	
- -	ابوعبیده
- -	ابوعبید
- -	ابن قتیبه
- -	
- -	غیاث
-	ترتیب چینش مدخلها در کتاب الزینه

## رویکردهای

### زینه

1-3	دیدگاههای زبانی ابوحاتم رازی
- -	فارسی ستیزی
- -	
- - -	
- - -	کلمات غیر
- -	اهمیت شعر به عنوان معیار تشخیص
- -	نله خلقت

## فصل چهارم روش شرح مدخلهای کتاب الزینه

### 1-4 مقدمه

-	کلمه در کتاب الزینه
-	دیدگاه زبانشناسان متقدم درباره کلمه
- -	کوتاهترین کلمه
- -	مصادیق کلمه
-	نتیجه گیری

## فصل پنجم ریشه شناسی و اشتقاق در کتاب الزینه

	1-5	مقدمه
اشتهاق در فرهنگ نگاري عربي	2-5	اهمیت
	3-5	
	1-3-5	
	2-3-5	
	- -	یمامه
	- -	
/ بحرین	- -	
	- -	
	- -	
	- -	اقلیم
	- -	جزیره
-		اقتباس فرهنگ نویسان از کتاب الزینه

## دیدگاههای دستوری ابوحاتم شرح مدخلهای کتاب الزینه

	1-6	مقدمه
	2-6	تاریخچه دستور زبان عربي در عراق
	3-6	
دستورشناسان کوفه	4-6	
-		رویکردهای دستوری مکتب کوفه:
	-	بدل از دیدگاه
	- -	
	- -	ترجمه
(	- -	)
	- -	تکریر
	- -	
	- -	تفسیر

## فصل هفتم نتیجه گیری و پیشنهاد

- نتیجه گیری
- پیشنهادهای تحقیق

## کتابنامه

منابع لاتین

پیوست

پیوست



## پیشگفتار

واژه پژوهی قرآن و اصطلاحات اسلامی، قدمتی به  
یخ جمع آوری و تدوین این وحی نامه  
آسمانی دارد و اصولاً فهم و سپس ترجمه و تفسیر  
قرآن کریم، سخت بدان نیازمند است.

ه پژوهی قرآن کریم را جزو علوم

نامها و اصطلاحات متعددی

نامیده اند، از جمله: علم مفردات، غرا

.

نزول وحی، نیاز به فهم ترکیبات قرآنی، انگیزه  
ای بود برای تدوین فرهنگنامه های قر

.

کهن ترین واژه نامه قرآنی/ اسلامی، واژه  
نامه ابن عباس است. این واژه نامه، به صورت  
پرسش و پاسخ بین نافع بن ازرق و استادش ابن  
عباس پدید آمده است.

واژه پژوهان بسیاری، به تدوین فرهنگنامه های  
قرآنی یا عمومی همت گماشتند که در این میان،  
ایرانیان سهم به سزایی داشتند.

نکته شایان توجه، اینجاست که ممارست

پژوهان و فرهنگ نگاران ایرانی در تألیف  
فرهنگنامه های عربی - عربی یا عربی - فارسی  
که بدون شك و به

جرات مي توان گفٲ كه  
زمينه فرهنگ نگاري و دستو نويسي، سخت و امدار  
ايرانيان است كه در ادامه  
آنها را معرفي مي كنيم:

- تاج اللغه و صحاح العربيه، ابونصر اسماعيل  
اد فارابي جوهرى؛

- التبيان في غريب القرآن، محمد بن عزيز

- تراجم الاعجاز في تفسير كلمات القرآن، احمد

- ح الوجوه و النظائر، حسن بن عبدالله بن  
سعيد عسگري اهوازي؛

- نيس في اللغه، حسن بن عبدالله بن سهيل  
عسگري اهوازي؛

- رساله في ما ورد في القرآن الكريم من  
القبائل، ابو عبيد قاسم بن سلام هروي؛

- طراز اللغه، سيد علي خان مدني شيرازي؛

- العين، خليل بن احمد فراهيدي؛

- غريب القرآن، ابن قتيبه دينوري؛
- الغريبان غريب القرن و الحديث، احمد بن محمد هروي؛
- فهارس المجموع الحديث في غريبي الحديث، محمد بن عيسي اصفهاني؛
- القاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروزآبادي شيرازي؛
- كتاب الزينه في كلمات الاسلاميه العربيه،
- مجمع البحرين و مطلع النيرين، فخر الدين طريحي؛
- مجمل اللغه و معجم مقاييس اللغه، احمد بن ويني رازي؛
- مختار الصحاح، زين الدين محمد ابي بكر عبدالقادر شيرازي؛
- معاني القرآن، سعيد بن مسعده اخفش شيرازي؛
- المفردات في غريب القرآن، ابوالقاسم حسين بن محمد راغب اصفهاني؛
- وجوه القرآن، محمود بن حسن نيشابوري؛
- يم، حسين

از میان این آثار، به بر  
الزینہ ابوحاتم رازی خواهیم پرداخت.

## فصل اول

# کلیات پژوهش

### ۱-۱ زندگینامه ابو حاتم رازی

احمد بن حمدان بن احمد (د. ۳۲۲/ق. ۹۳۴م) مشهور به ابو حاتم رازی، از متفکران، مصنفان و داعیان بزرگ اسماعیلیه در ایران بود. اطلاعات ترجمه نویسان و فرق شناسان از زندگی و محل تولد و نمو او، اندک و محل اختلاف است و هیچ کدام نمی توانند با قطعیت ادعای خود را ثابت کنند. ابن حجر عسقلانی (۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۶۴)، او را کثی خوانده است که وجه این نسبت روشن نیست. ابن ندیم (۲۰۰۶، صص ۹-۱۸۸) وی را ابو حاتم بن عبدان رازی و رسانی خوانده است. ورسنان، به گفته یاقوت حموی (۱۹۹۳، ج ۴، ص ۹۲۱) از قرای سمرقند بوده است. خواجه نظام الملک (۱۳۷۱، ص ۲۵۵)، وی را زاده پشاپویه (فشافویه امروزی) جایی نزدیک به ری، دانسته است. برخی نیز او را با محمد بن ادريس بن منذر حنظلی (مشهور به ابو حاتم رازی) (د. ۲۷۷/۸۹۰م) محدث و رجال شناس نامی ری، اشتباه گرفته اند.

اسفراینی (۲۰۰۰، صص ۵-۱۲۴) او را اهل مغرب دانسته و چنین استدلال می کند:

"زمانی که عبیدالله المهدی، مؤسس سلسله فاطمی (خلافت: ۲۹۷-۳۲۲

ق/۹۳۴-۹۱۰م)، از داعیان اسماعیلیه خواست تا برای تبلیغ به ناحیه دیلم بروند، گروهی

از مردم مغرب (مراکش) در پاسخ به او، به سوی دیلم رهسپار شدند که در میان آنان،

شخصی به نام ابو حاتم بود."

حسین الهمدانی، نخستین مصحح نسخه های خطی کتاب الزینة، نیز با استناد به همین نظر اسفراینی، ابوحاتم را از جمله مردم مغرب می داند و معتقد است که به صرف آشنایی ابوحاتم با زبان فارسی، نمی توان وی را ایرانی دانست؛ بلکه اصرار او بر برتری زبان عربی بر سایر زبانها، دلیلی است بر عرب بودن وی (رازی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۲۶). ابوحاتم، خود اعتراف ضمنی دارد که با زبان فارسی پرورده و سرشته شده و اطلاعاتی که از زبان فارسی و طرز تلفظ ایرانیان ارائه داده، مؤید این ادعاست (همان، ج ۱، صص ۵-۶۴).

عشیری (۱۹۸۵، ص ۴۷) نیز بر این نکته صحنه گذارده و تسلط ابوحاتم را بر زبان عربی از آن رو می داند که عربی، زبان علمی آن روزگار محسوب می شد و ابوحاتم از اوان جوانی، با آن پرورش یافته بود و مدت زیادی در محضر اساتید طراز اول مکتب کوفه حاضر شده بود. از آن گذشته، کسی که مسئولیت دعوت اسماعیلیه را در نواحی مختلف ایران بر عهده گرفته و در کار خود موفقیت‌های شایان توجهی کسب کرده بود، قاعدتاً می بایست ایرانی بوده باشد و بسیار بعید است که فردی عربی از مغرب و مبلّغ یک مذهب نوپا بتواند در ایران در زمانی کوتاه، به جایگاهی چنان برجسته دست یابد.

ابوحاتم گفتاری شیرین و کلامی بلیغ داشت و توانست امرا و عامه مردم را به مذهب خود جلب کند. وی در علم لغت و شعر و حدیث دستی داشت. مقام علمی او در حدّی بود که مأموریت اصلاح خطاها و برقراری سازش و هماهنگی میان معتقدات جوامع مختلف اسماعیلی به او واگذار شد. اسماعیلیان از لحاظ دعوت برای او شانی والا قائل بودند به طوری که حمیدالدین کرمانی او را از جمله کسانی می خواند که به سدّ طریق معروفند (جلالی مقدم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۷). ابوحاتم با تألیفات خویش به دفاع از مذهب اسماعیلیه برخاست تا

جایی که وی و دو تن از یارانش (ابویعقوب سجستانی و محمدبن احمد نسفی) را از بزرگترین پیروان این مذهب در ایران شمرده‌اند که کوشش‌هایشان، تاثیر ملموسی در نشر فرهنگ اسماعیلی و فلسفه آن داشته است.

سابقه دعوت اسماعیلیه در ایران، به شخصی به نام "خلف" می‌رسد که به گفته نظام-الملک (۱۳۷۱، ص ۲۵۳) عبدالله بن میمون قدّاح وی را مأمور دعوت در ناحیه ری، قم و کاشان کرد. چون وی درگذشت، پسرش احمد به جای او عهده دار دعوت گردید. احمدبن خلف نیز شخصی به نام "غیاث" را جانشین خویش کرد و غیاث پس از چندی همراه ابوحاتم که به انجمن مؤمنان اسماعیلی پیوسته بود، به دعوت پرداخت، اما چون وعده ظهور قریب الوقوع مهدی را در زمانی معین داده و چنین نشده بود، خلق از او برگشتند و وی ناگزیر از چشم عامه پنهان شد. سپس کار برعهده شخصی به نام "ابوجعفر" از خاندان خلف قرار گرفت، اما ابوحاتم توانست ریاست اسماعیلیان را از آن خود کند و با زبردستی، امر تبلیغ مذهب را به پیش برد (همان، صص ۷-۲۵۶).

دُعوات اسماعیلیه و از جمله ابوحاتم، در دعوت خود بیشتر به نواحی کوهستانی توجه داشتند، مناطقی که اسلام در آنجا چندان پا نگرفته و در دل مردم ریشه‌دار نشده بود. نظر آنان که خود در جدل و مباحثات دینی استاد بودند، بیشتر متوجه مردمی بود که در این گونه مسائل مهارت چندانی نداشتند. با همه این احوال ظاهراً چون نخستین داعیان اسماعیلی (در ایران) از لحاظ جلب قلوب عامه نتوانستند توفیقی به دست آورند، رهبران محلی این نهضت نو پا به طبقات بالای جامعه روی آوردند و گمان کردند که می‌توانند با نفوذ در اشراف و حاکمان، موفقیتی کسب

کنند، اما این روش هم در نهایت بی نتیجه ماند (جلالی مقدم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۷).

عامل مهم تغییر جهت مزبور در سیاست دعوت اسماعیلیه، ابوحاتم بود، زیرا توجه خویش را به سران قوم، معطوف داشت و توانست بعضی از بزرگان را به مذهب خود متمایل سازد. در واقع، دعوت ابوحاتم در عهد عبیدالله المهدی، در امور سیاسی طبرستان و دیلمان و دیگر نقاط ایران تأثیری خاص داشت. چون وی کار دعوت را عهده دار شد، داعیانی به اطراف فرستاد و نواحی ری، طبرستان، گرگان، آذربایجان و اصفهان در حوزه دعوت او قرار گرفتند. ابوحاتم با تغییر جهت مهمی که در امر دعوت ایجاد کرده بود، توانست امیر ری، احمد بن علی، را به سوی خود جلب کند و به گفته نظام الملک (همانجا) او را به مذهب خویش در آورد.

هنگامی که قدرت سیاسی پشتیبان ابوحاتم در ری از میان رفت، وی نیز به دیلمان گریخت و با تعقیب سیاست قبلی، "اسفار بن شیرویه" و نیز گروهی از اهل دیلمان را به مذهب خود متمایل کرد. با برکناری اسفار و قدرت گرفتن "مرداویج" پسر زیار، موقعیت ابوحاتم بلافاصله به خطر نیفتاد و حتی گفته اند که "مرداویج" دعوت او را اجابت کرد (جلالی مقدم، همانجا). حق این است که در اسماعیلی شدن اسفار یا مرداویج یا حتی حاکم ری، باید تردید کرد، زیرا دادن آزادی عمل به یک داعی و احتمالاً استفاده های سیاسی از او - در جهت دشمنی با خلافت عباسیان - غیر از پذیرفتن کیش و آیین است.



## مناظره با زکریای رازی

در این دوران و احتمالاً در زمانی که ابوحاتم نزد مرداویج از موقعیت مساعدی برخوردار بود، مناظراتی بین او و محمدبن زکریای رازی در حضور مرداویج صورت گرفت که در مکتب اسماعیلیه از لحاظ تأثیری که بر متفکران بعدی داشت، به سهم خود دارای اهمیت ویژه‌ای است. ابوحاتم شرح این مناظرات و گفتگوهای خود با زکریای رازی را، در کتاب خویش *اعلام النبوة* آورده و بیشتر به شرح نظریات خود در ردّ وی پرداخته است. او در این کتاب، نامی از زکریای رازی به میان نیاورده و فقط در اشاراتِ بدو، به لفظ *مُحد* اکتفا کرده است؛ اما حمیدالدین کرمانی، که از جمله پیروان و ارادتمندان اوست، هویت وی را آشکار ساخته و معلوم نموده که او محمدبن زکریا رازی بوده است.

درخشش ستاره اقبال ابوحاتم و اسماعیلیان در دیلمان و طبرستان دیری نپایید. نظام‌الملک (همانجا) می‌گوید:

"در دیلمان ابوحاتم به مردم بشارت داد که به زودی امامی ظهور خواهد کرد و بسیاری از مردم بدو میل کردند، اما چون گفتار ابوحاتم راست نیامد، با او مخالف شدند و قصد هلاک او کردند و وی مجبور به فرار شد."

اما آنچه در مورد علت فرار ابوحاتم صحیح‌تر به نظر می‌رسد، این است که مرداویج، که در آغاز، از اسماعیلیان حمایت می‌کرد، در سال ۳۲۱ ق (۹۳۳ م) بر آنان خشم گرفت و به کشتار آنان پرداخت؛ لذا ابوحاتم از این پس تا هنگام مرگ، به ناچار، پنهانی زیست.

ابوحاتم در برخی مسائل با دوست هم کیش خود ابوعبدالله محمدبن احمد نسفی اختلافاتی داشت و کتاب *الاصلاح* را در اصلاح نظریات او که در *المحصول* آمده بود، به رشته

تحریر در آورد. ابویعقوب اسحاق بن احمد سجستانی، شاگرد نسفی، در تأیید کتاب استاد خود، المحصول، اثری به نام النصرۃ تألیف کرد و بعدها حمیدالدین کرمانی در کتاب خویش با عنوان *الریاض فی الحکم بین الصادین صاحب الاصلاح و صاحب النصرۃ* کوشید تا میان آراء ابوحاتم و سجستانی موافقتی ایجاد کند؛ لیکن وی در بیشتر موارد، حق را به ابوحاتم داده و گهگاه نیز از سجستانی دفاع کرده است (همانجا).

## ۱-۲ آراء ابوحاتم

چنان که از گزارش ابن حجر مستفاد می‌شود، ابوحاتم نخست از اسماعیلیه نبود، اما به این مذهب گرایش پیدا کرد و سپس از دُعات اسماعیلیه شد. به هر حال ابوحاتم یکی از بزرگان این فرقه است و در تاریخ مذاهب و فرق اهمیت و اعتباری خاص دارد. وی در زمانی می‌زیست که خلافت فاطمیان در مصر ظهور کرد و افتراقی بزرگ در صفوف اسماعیلیان رخ داد. از این رو دانستن اینکه وی در برابر فاطمیان چه موضعی اتخاذ کرده، از اهمیتی خاص برخوردار است. بنابر شواهد موجود، دعوت ابوحاتم از سوی فاطمیان و برای آنان بود.

از جمله آراء جالب توجه ابوحاتم، نظر او در باب مراتب صدور عالم از ذات باری است. وی با استناد به حدیثی که به امام صادق (ع) نسبت می‌دهد، می‌گوید: نخستین خلق خدا توهم است و اگر خداوند چیزی را توهم کند، آن را نزد خویش ابداع کرده است و پیش از آنکه ظاهر شود، در غایت لطافت است. توهم، وزن و رنگ و حرکت ندارد، شنیده نمی‌شود و محسوس نیست. مخلوق دوم، حروف است. حروف، وزن و رنگ ندارد، دیده نمی‌شود، ولی

شنیده شده و بر زبان جاری می گردد. مخلوقِ سوم، همه چیزهایی است که با حروف وصف می شوند، ملموس و محسوس و دارای وزن و دیده می شوند. خداوند، سابق است بر توهم، و توهم، سابق است بر حروف. حروفی که خداوند بدانها تکلم کرده است، غیرِ مُحَدَّث (قدیم) اند و حروف محدث غیر از حروف کلام الله می باشند (همان).

افزون بر این نظر، از کتاب *الاصلاح ابوحاتم* بر می آید که وی به نظمی نوافلاطونی برای مراتب جهان قائل بوده است. در این نظریه، نخستین موجودی که پدید می آید (مُبدَع اول) عقل است و از عقل، نفس به طریق انبعاث صادر می گردد. عقل و نفس، *عالم لطیف* را می سازند و پس از آنها *عالم کثیف* یا *عالم مادی* می آید. بالاترین مرتبه در این *عالم هیولی* و صورت است، این دو منبعث از نفس نیستند، بلکه تنها آثار تفکرِ آنند. ابوحاتم پس از خالق یگانه و دو مخلوق اول، به سه نوع ماده قائل است: اول آنکه صرفاً وهمی است و آن حالات نفس است؛ دوم *افراد* یا *چهار طبع*؛ سوم *عناصر* یا *امّهات* که از ترکیب چهار طبع حادث می شوند و از اختلاط آنها جوهرهای چهارگانه پدید می آیند (همان).

### ۳-۱ درباره "کتاب الزینه"

کتاب *الزینه فی الکلمات الاسلامیه العربیه*، شاید مهم ترین اثر ابوحاتم رازی باشد. این کتاب، فرهنگنامه ای است به لحاظ الفبایی، غیر منظم در شرح اصطلاحات اسلامی و ریشه شناسی آنها.

مؤلف در این اثر، نامها و اصطلاحات به کار رفته در زبان قرآن، حدیث و فرهنگ اسلامی را شرح می دهد و سیر تحول و تطور و مفاد آنها را در عصر جاهلی بیان می کند. او با

تکیه بر مکتب لغوی و ادبی اشتقاقیان ، می کوشد ما بین الفاظ و مدلول واژگانی آنها، ارتباط و مناسبتی بیابد همت او در ریشه شناسی و توضیح مفاهیم واژگان، به گونه ای است که برخی ، این کتاب را نه صرفاً یک فرهنگ توصیفی ، بلکه معجمی برای اصطلاحات دینی تلقی کرده اند . از این رو ، بیشتر پژوهشگران ، این اثر را معتبر و به خاطر اصالت و قدمت آن ، بهترین مرجع شرح الفاظ دانسته اند ، به گونه ای که استناد برخی از نویسندگان و علمای پس از وی ، بر وثاقت آن افزوده است (رازی، ۱۹۹۵، ج ۱، صص ۹-۸).

شهرت ابو حاتم به واسطه این اثر، به اندازه ای بود که سیوطی در وصف او تعبیر " ابو حاتم لغوی " را به کار برده و کتاب الزینة را به عنوان مرجعی در کار بررسی واژه های غیر اصیل [غیر عربی] قرآن، بر شمرده است (همان، ص ۲۳).

دکتر ابراهیم انیس ، در مقدمه ای که بر نسخه چاپی کتاب الزینة نوشته است ، با اشاره به اهمیت بخش مربوط به واژه های اسلامی و معانی آنها می گوید :

" شمار واژه هایی که شرح و تعبیر آنها در این کتاب آمده، حدود چهارصد

تاست. این اثر به دلیل اصیل بودن بحث و تقدم زمانی اش، بهترین مرجع شرح این

واژه ها به شمار می آید (همان، صص ۹-۸).

دکتر حسین الهمدانی ، ضمن تأکید بر گفته های ابراهیم انیس ، معتقد است که رویکرد

ابو حاتم در واژه شناسی ، بهترین شیوه شناخت واژه های دخیل در زبان عربی است. وی تصریح

می کند:

" مؤلف ، برخی از نامهای موجود در قرآن و واژه هایی را که در گفت و گو های مسلمانان رایج هستند، گرده آورده و با بیان معنا و مفهوم آنها در عرف جاهلیت و عصر اسلامی، به اشعار معروف عرب اشاره می کند. وی ضمن بیان مفهوم هر کلمه، نقل قولهای ادبای عرب زبان و مفسران را یادآور شده است"

(آقانوری، ۱۳۸۲، صص ۲۱-۲۰).

کتاب الزینة، در سه بخش به رشته تحریر در آمده است : بخش نخست، که می توان آن را مقدمه مؤلف بر کتاب دانست، شامل مباحثی است درباره معانی اسمها و مشتقات کلمات عربی قرآن. وی، این بخش را در چند فصل دسته بندی کرده که عنوان بعضی از آنها بدین شرح است: برتری زبان عربی بر سایر زبانهای دنیا، کامل بودن حروف زبان عربی، کم و زیاد بودن حروف در زبانهای مختلف، مَقَوِّمَات زبان عربی و ساختار ریاضی آن، قانون زبان عربی، بلاغت عربی، نحو و اعراب، معنای عروض، شعر عرب و دیوانهای شعراء امتیازات شعر عربی قبل از بعثت پیامبر(ص) ، شعر و شاعری هنگام پیدایش اسلام، فراگیری زبان و شعر های نخستین، ترانه های کهن فارسی، تفاوت شعر و آوا، نامهای اسلامی و معانی آنها، اسماء حُسْنای خداوند، نامهای اشیا و معانی آن، نامهای غیر عربی در قرآن، پیدایش نامها در دوران پیامبر، زبان سریانی ابراهیم(ع) ، چگونگی فراگیری زبان عربی توسط اسماعیل(ع) در یمن، اسماعیل پیشگام سخن گفتن به زبان عربی، و زبان قریش زبان قرآن .

بخش دوم کتاب با " آنچه درباره بسم الله الرحمن الرحيم گفته اند " آغاز می شود و با تبیین اسمای الهی در قرآن و معانی آنها، پی گرفته می شود. سپس ، معنا و ریشه شناسی مفاهیم و اصطلاحات اسلامی در ادامه آن می آید که عبارت اند از : قضا، دنیا و آخرت، قلم، لوح،

کرسی، عرش، ملائکه، جن و انس، شیطان و صفاتش، ابلیس، بهشت و ویژگیهای آن، جهنم و ویژگیهای آن، صراط، اعراف و برزخ، ثواب، عقاب و عقوبت، اثم و وزر و قیامت.

بخش سوم کتاب، مربوط به ملل و نحل اسلامی است و به مباحثی درباره مفهوم فرقه و مذهب و نیز بررسی گرایشها و معتقدات مختلفی اختصاص دارد که از فرق اسلامی منشعب شده اند.

نه نسخه خطی مختلف از کتاب الزینة در هندوستان، یمن، عراق و ایران وجود دارد. حسین بن فیض الله همدانی، جلد های اول و دوم این کتاب را در سالهای ۸-۱۹۵۷ در قاهره منتشر کرد و دکتر عبدالله سلوم السامرايی، جلد سوم کتاب الزینة را همراه با اثر خود، الغلو و الفرق الغالیة، در سال ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م در بغداد منتشر نمود. پس از آن، مجموعه سه جلدی آن، به صورت تک جلدی به چاپ رسید. کتاب مذکور، بر مبنای نسخه خطی بغداد می باشد و ظاهراً تنها نسخه چاپ شده کتاب الزینة به حساب می آید.

#### ۴-۱ آثار منتشر شده درباره "کتاب الزینة"

برای نسخه چاپ شده این اثر، حسین الهمدانی مقدمه عالمانه و مفصلی (حدود پنجاه صفحه) نگاشته و اطلاعات مفیدی درباره واژگان و گرایشهای زبان شناسی نوین در دنیای عرب، ارائه داده است. وی ضمن معرفی کامل ابوحاتم و آثار وی، به ویژه کتاب الزینة، توضیح کاملی درباره نسخه های خطی موجود و نسخه مورد استفاده اش در تصحیح کتاب، در اختیار خواننده قرار می دهد.